و هفت» همراه گفت‌وگو با عوامل این برنامه

رادیو هفت ببینید!

خودشان کمی آرامش را در آخر شب به روح و روان‌مان تزریق کنند.

گروهی به کارگردانی و تهیه‌کنندگی منصور ضابطیان و محمد صوفی که از شنبه تا پنجشنبه این برنامه را با همان حال و هوای آشنا روی آنتن می‌برند. این بازگشت دوباره بهانه‌ای شد تا ما هم یک شب به آنها سر بزنیم و از جزئیات این داستان تازه و پرخاطره باخبر شویم.

هزار و صد و چندمین برنامه رادیو هفت در سری جدید روی آنتن رفت / عکس: چاوش همایونی / جام جم

بین یک جوان نسل امروز با مادربزرگ ۸۷ ساله است. این دیالوگی که این روزها کمتر برقرار است و ما با انعکاس آن می‌خواهیم مرتبا یادآوری کنیم که باید هوای بزرگ‌ترها را مخصوصا در شرایطی که هستیم داشته باشیم. از سویی به هر حال فضای حقیقی و مجازی از هم وام می‌گیرند و اگر شما مورد خوبی را پیدا کنید که فکر کنید می‌شود در تلویزیون هم باید مطرح شود، لازم است تا از آن حمایت کنید.

در حال حاضر هزار و صد و چندمین قسمت رادیو هفت روی آنتن رفته است و با این تعداد هر لحظه امکان تکرار بیشتر می‌شود، چطور از این موضوع عبور می‌کنید؟

ممکن است برای هر برنامه‌ای این اتفاق بیفتد و مثل یک گیاه باید مدام به آن رسیدگی کرد وگرنه پلاسیده می‌شود. ما سعی کردیم در تمام این سال‌ها به این گیاه آب، نور و مواردی که لازم است را بدهیم تا سرپا نگهش داریم. در حال حاضر هم استقبال مردم در ۲۰ روز گذشته نشان می‌دهد که در این زمینه موفق بودیم. اما به هر حال اگر بخواهیم این توجه را از روی آن برداریم ممکن است هر لحظه از بین برود.

گاهی هم عنوان می‌شود که این ادامه چند هزار قسمتی با همان شکل و شمایل به شکلی بهره‌برداری بیش از حد از بار نوستالژیکی است که عنوان و قالب این برنامه داشته...

این نگرانی همیشه نه تنها درباره برنامه ما که درباره هر کار دیگری وجود دارد اما در جهان برنامه‌هایی هستند که ۵۰ سال است روی آنتن هستند و هنوز طرفداران خودشان را دارند، برای رادیو هفت هم هزار و صد و شصت و پنج برنامه عدد زیادی نیست.

و فکر می‌کنید این داستان تا کجا می‌تواند ادامه داشته باشد؟

تا جایی که مردم به آن نیاز دارند. به طور کلی برنامه‌ای در تلویزیون موفق است که مبتنی بر نیاز جامعه باشد؛ نیاز روز مردم هم آرامش است و ما سعی می‌کنیم همه کار کنیم تا بتوانیم به اندازه یک ساعت این آرامش را ایجاد کنیم. حال اگر روزی احساس کنیم که این نیاز دیگر وجود ندارد، یا ما توانایی‌اش را نداریم و اصلا شرایط درونی تولید برنامه طوری است که نمی‌توانیم از پس آن بربیاییم، تمامش می‌کنیم.

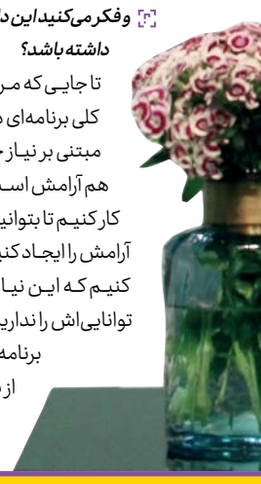

خود شما به جز اینجا، چرا این قدر کم پیدا هستید؟ می‌خواهید فقط با رادیو هفت بمانید؟

مثل هر آدم دیگری من هم دوستدار تجربه‌های جدید هستم و صحبت‌هایی هم شده و احتمالا از چند وقت دیگر به عنوان مجری دربرنامه‌ای حاضر می‌شوم. با همه اینها موضوع این است که شما در جای درست‌تان باشد و در این صورت اگر ۵۰ سال هم در آنجا باشید به شرط آن‌که خودتان را به روز نگه دارید و ایده‌های جدید داشته باشید؛ تکراری نمی‌شوید. اما اگر جای درست خود نباشید با هر شکل و شمایلی در ذوق می‌زنید و مردم قبول‌تان نمی‌کنند.

راستی چرا «رادیو هفت»؟

ما سعی کردیم کمی حس و حال رادیویی داشته باشیم و با وجود اسم رادیویی که دارد، یکی از تصویری‌ترین برنامه‌های تلویزیون است و یکی از اهدافش بالا بردن سلیقه بصری مردم است. در مقطعی که برنامه شکل گرفت چون بنا بود شبکه آموزش با عنوان شبکه هفت بیشتر معرفی شود، اسم برنامه را رادیو هفت گذاشتند.

کم و یا حتی می‌شود گفت در تلویزیون برنامه‌ای که این تعداد قسمت با یک تهیه‌کننده و قالب روی آنتن رفته باشد را نداریم. حس و حال این ماجرا برای شما چگونه است؟

مثل حس بزرگ کردن یک بچه است، یعنی تو متوجه بزرگ شدنش نمی‌شوی مگر آن‌که مدتی کنارت نباشد و یکدفعه او را ببینی. رادیو هفت هم برای ما همین حس را دارد، حس بچه‌ای که روز به روز بزرگ‌تر می‌شود و باید از ما جلوتر بیفتد.

اسم منصور ضابطیان به رادیو هفت گره خورده است اما خودتان دوست دارید به جز این با چه عنوانی شما را بشناسند؟

آدم‌ها مجموعه‌ای از آنچه هستند که زیستند و تجربه کردند؛ بنابراین نمی‌شود جزء به جزء آن را تشریح کرد. من دوست دارم به عنوان یک چهره فرهنگی و موثر شناخته شوم. زمانی خیلی دوست داشتم به عنوان یک چهره خلاق معرفی شوم ولی بعد فهمیدم که خلاقیت بدون تاثیرگذاری خیلی فایده‌ای ندارد و اگر هر کاری می‌کنم از نوشتن تا برنامه‌سازی و برگزاری کارگاه و... باید یک ذره جهان پیرامونم را به سمت پیشرفت، بهتر بودن و احساس خوشبختی هدایت کنم. نمی‌دانم موفق بودم یا نه اما امیدوار هستم که این اتفاق بیفتد و به عنوان کسی شناخته شوم که توانسته در طول زندگی‌اش مقداری آدم‌ها را به زندگی پیرامون‌شان حساس‌تر کند تا اطراف‌شان را دوست‌تر داشته باشند.

ایده اصلی برنامه آرامش است

محمد صوفی که در همه این سال‌ها با شور و علاقه توام با آرامش همراه با ضابطیان پرچم رادیو هفتی‌ها را بالا نگه داشته است، در گفت‌وگویی که داشتیم از ماجرای بازگشت دوباره و روند انتخاب موضوعات هر شب و کلی موضوع دیگر صحبت کرد. گپی که می‌توانید در ادامه سری به آن بزنید:

چه شد برگشتید؟

شاید بعد از این سال‌ها تیم رادیو هفت علاقه‌مند بود تا در شرایط دیگری، برنامه دیگری را برای تلویزیون بسازد اما در این چند سال و مشخصا در یک سال کرونا با واکنش‌های زیادی از طرف مردم روبه‌رو شدیم که دل‌شان می‌خواست رادیو هفت را دوباره ببینند. این پیام‌ها خیلی به ما رسید و خودمان هم معتقد بودیم شرایطی که باعث شد در سال ۸۹ برنامه رادیو هفت را به دلیل نیاز جامعه به آرامش تهیه کنیم، در سال ۹۹ این شرایط جدی‌تر هم وجود دارد. از این جهت وقتی شبکه آموزش پیشنهاد بازگشت رادیو هفت را داد، تصمیم گرفتیم که برنامه را دوباره راه‌اندازی کنیم.

موضوعاتی که هر شب در رادیو هفت سراغش می‌روید گاهی خیلی معمولی و نزدیک به زندگی همه ماست، از روند این انتخاب‌ها بگویید.

ما سعی کردیم در رادیو هفت با توجه به مجری‌های مختلفی که حضور دارند، سلایق گوناگونی را هم پوشش دهیم. البته خیلی‌ها هستند که هر شب برنامه را دنبال می‌کنند اما باز هم خیلی از مخاطبین ما هستند که انتخاب می‌کنند و می‌گویند مثلا ما برنامه شب‌های سه‌شنبه و پنجشنبه را می‌بینیم. یعنی سعی کردیم برای سلایق و ذائقه‌های مختلف طراحی‌های متفاوتی داشته باشیم. در شب آقای کاکاوند بار ادبیات بیشتر است، شب اسماعیل باستانی، شب عاشقانه‌هاست، یا شب سه‌شنبه بهانه‌های کوچک برای شادی و حال خوب است و پنجشنبه‌ها هم موضوعات عمومی‌تری را داریم که به واسطه آنها بیشتر با مردم به صورت مستقیم در ارتباط هستیم. همچنین تفاوت در موضوعات هم بیشتر پنجشنبه‌ها به نظر می‌آید چون در شب‌های دیگر فضا از خط کلی پیروی می‌کند و در این شب به فراخور حال و احوال روز و تجربه شخصی تیم سازنده و یا موضوعاتی که فکر می‌کنیم با تلنگر زدن به آن بخشی از خاطرات مردم مرور می‌شود، دست به انتخاب موضوع می‌زنیم.

مخاطب هدف شما از چه قشری است و هدف در شکل دادن این موضوعات تنها ایجاد آرامش برای آنهاست؟

این تقسیم‌بندی باعث می‌شود ما مخاطبان مختلف را هدف قرار دهیم و با آنها در ارتباط باشیم. همچنین در انتهای این ماجرا چیزی که در کنار ایده اصلی برنامه که آرامش است اهمیت دارد، تلنگر زدن‌ها به موضوعات مختلف یک هدف ثانویه برای ما دارد و آن هم ایجاد دیالوگ بین خانواده‌هاست. امروز خیلی از خانواده‌ها هستند که در یک خانه زندگی می‌کنند اما باهم حرف نمی‌زنند و هرکسی زندگی خودش را دارد. در این بین گاهی یک موضوع و تلنگر همان‌طور که از پیام‌هایی که به دست‌مان می‌رسد هم متوجه می‌شوید، باعث می‌شود آدم‌ها درباره آن موضوع پای این برنامه با هم حرف بزنند. در واقع چندین برابر پیام‌هایی که به دست ما می‌رسد در خانه بین خودشان اتفاق می‌افتد و این باعث ایجاد دیالوگ می‌شود.

صحبت از ارتباط با برنامه شد و جالب است که هنوز شما تلفن ثابت دارید و از آدرس پستی استفاده می‌کنید، فضایی که مردم هم از آن استقبال کردند. چه شد که تصمیم گرفتید این راه ارتباطی را همچنان داشته باشید چون فضای مجازی و پیام این روزها جایگزین چنین جریانی شده است.

این همیشه جزو اولویت‌های ما در کاری که انجام دادیم، بوده. این اتفاق سال‌ها در رسانه افتاده و به تدریج فراموش شده است. در واقع فضای مجازی باعث شده که همه ما شخصیت‌های مجازی هم داشته باشیم که از طریق آن با هم صحبت می‌کنیم. کاراکتری که الزاما آیینه واقعی ما نیست و گاهی ممکن است تنها شخصیت ساخته شده در فضای مجازی باشد. اما وقتی مخاطب می‌تواند تلفن را بردارد و به برنامه‌ای که دوستش دارد زنگ بزند، ارتباط عمیق‌تری به وجود می‌آید. ما مدام می‌گوییم رادیو هفت در این مقطع که همه باید خانه باشند، برنامه شب‌های تنهایی ماست و با این روش امکانی را به بیننده آن می‌دهیم که بتواند با ما حرف بزند. زمانی که او می‌بیند همین الان می‌تواند با کسانی که برنامه را می‌سازند صحبت کند و گاهی نظرش چند ثانیه بعد توسط مجری مطرح شود، حس خوبی به او می‌دهد که برای ما ارزشمند است. همچنین ما صندوق پستی هم داریم چون برایمان مهم است که مردم هنوز نامه بنویسند. سال‌های نه چندان دوری بوده که ما دوستان‌مان را از دستخط‌هایشان می‌شناختیم اما مدت‌هاست که از این فضا فاصله گرفتیم، این‌که آدم‌ها قلم را بردارند و شروع به نوشتن کنند و رسم‌الخط فارسی زنده نگه داشته شود، برای ما مهم است. پنجشنبه‌ها هم روی این موضوع تاکید داریم و نامه‌هایی که رسیده را باز می‌کنیم و می‌خوانیم تا تشویقی برای بقیه هم باشد. این سری مدتی است که شروع شده و زمانی که جلوتر برویم احتمالا مثل سال‌های قبل ممکن است بازهم مثل آن موقع‌ها گونی گونی نامه بیاوریم و باید باز هم به این نقطه برسیم که همه مردم شروع کنند برای هم نوشتن.

کمی از حس شخصی خودتان از همراه شدن با برنامه‌ای که بیشتر از هزار قسمت را پشت سر گذاشته بگویید.

ما یک تیم برنامه‌سازی هستیم و تنها محصول‌مان رادیو هفت نبود. معمولا اگر به سال‌های فعالیت گروه‌های برنامه‌سازی که مدل کارشان مشخص است و حتما سعی می‌کنند که اندیشه‌ای پشت کاری که انجام می‌دهند باشد، نگاه کنید؛ می‌توانید تشخیص دهید که این کار برای چه تیمی است. اگر کارهای ما را هم دنبال کنید، نزدیک بیش از ۱۶ سال سابقه برنامه‌سازی وجود دارد که از هزار و صد و چند قسمت هم می‌گذرد. اتفاقی که به لحاظ حس شخصی برای ما مهم است، واژه‌ای است که در تمام این سال‌ها آن را به کار بردیم و به شدت به آن اعتقاد داریم، ما درباره خانواده صحبت می‌کنیم، مخاطبان این برنامه هم جزو خانواده این تیم هستند و این سال‌ها کنار هم بودن یک سری علایق و اهداف مشترک بین ما به وجود آورده که خیلی ارزشمند است. این‌که ما می‌توانیم باهم ارتباط داشته باشیم و روی هم تاثیر بگذاریم، مساله‌ای است که اهمیت دارد. این تاثیر یکطرفه و به این شکل نیست که تنها ما متکلم وحده باشیم بلکه بسیاری از ایده‌ها از سوی مخاطب شکل می‌گیرد، چون آنها برنامه را از خودشان می‌دانند و فکر می‌کنند اگر تغییری در آن ایجاد کنند به خود و خانواده بزرگی که در آن هستند، کمک کرده‌اند. از این جهت خیلی احساس خوبی است که ما یک خانواده بزرگ داریم که سال‌ها با هم در حال پیش رفتن هستیم و مدام به اعضای آن اضافه می‌شود.

پایان این دورهمی را کجا و کی دیده‌اید؟

هر چیزی انتهایی دارد، با این حال ما تازه سری جدید را شروع کردیم و قرار بر این است که ادامه داشته باشد. باید ببینیم تا کجا می‌شود ادامه داد، مخاطب تا کجا ما را می‌خواهد و ما چقدر توانایی حفظ استانداردهایمان را داریم؟ این برای ما یک اصل است و همیشه از استانداردی پیروی می‌کنیم و معتقد هستیم که اگر بخواهیم پایین‌تر از آن برنامه‌ای را تولید کنیم، به مخاطب‌مان احترام نگذاشتیم به همین دلیل تا جایی که بتوانیم این مسأله را حفظ کنیم و در نهایت اینکه سازمان هم علاقه‌مند باشد که این همکاری بازهم صورت بگیرد، رادیو هفت هم ادامه خواهد داشت.

دکور برنامه هم از مواردی است که خیلی ساده و آرام است، البته برخی آن را به پای بی‌تفاوتی به این بخش می‌گذارند، اما به هرحال از ایده آن هم نمی‌شود غافل شد، چه شد که به این فضا رسیدید؟

این اتفاق در رادیو هفت یک اصل است که در این سال‌ها همیشه آن را رعایت کردیم. گاهی می‌بینیم که بعضی از برنامه‌های تلویزیونی دچار ذوق‌زدگی تصویری شده‌اند، دکورهای خیلی بزرگ و پرطمطراق با نورپردازی‌های عجیب و غریب که شاید در جا و ساعت خودش گاهی لازم باشد به این شکل آن را ببینیم. اما برای برنامه رادیو هفت ما قرارمان با مخاطبمان این است که یک ساعت پایانی شب را در آرامش با هم سپری کنیم، در این بین هیچ چیزی نباید آرامشی که قرار است ایجاد شود را تحت‌تاثیر قرار دهد و چیزی نباید خودش را دربرنامه به رخ بکشد. این دکور و اجزای ساده‌ای که در برنامه وجود دارد، دلیل بر این نیست که سرسری کاری در برنامه انجام شده بلکه برای آن فکر و طراحی شده تا همه چیز در خدمت ایده اصلی برنامه باشد. دکور نیز همین است و اگر دقت کنید، نور داخل دکور هم به نسبت خیلی از مواردی که می‌بینید، کمتر است تا بیننده را خیلی اذیت نکنیم و او روی صحبت‌های مجری و اتفاقاتی که در حال رخ دادن است، به راحتی متمرکز شود. البته همیشه در برنامه سازی برای ما یک اصل وجود داشته و آن هم این است که در عین سادگی همه چیز باید شیک باشد، مسأله‌ای که حلقه گمشده‌ای در خیلی از برنامه‌هاست و برای ما خیلی اهمیت دارد که همه چیز مینی‌مال، اندازه و شیک باشد.

کرونا روی رادیو هفت هم تا حدی سایه انداخته و تغییراتی در آن ایجاد کرده است، از این حال و هوا بگویید.

در این سری خیلی از بخش‌هایی که روی آنتن می‌رود در خانه مهمانان ما ضبط شده است و این به دلیل آن است که این رادیو هفت دوران کرونا است و ما باید خودمان هم این پیام را منتقل کنیم که می‌شود یک اثر فرهنگی هم تولید کرد، در عین آن‌که به پروتکل‌ها پایبند باشیم. به همین دلیل استودیوی شماره ۲ را حذف کردیم، طبیعی است که اگر روزگار کرونا سپری شود ما آن بخش را بازهم فعال می‌کنیم. در این دوران ما نمی‌توانیم به سراغ خیلی از بخش‌هایی که داشتیم برویم، این شرایط برای ما محدودیت‌هایی را ایجاد کرده است اما حتی اگر جاهایی باعث می‌شود تا نقصی دیده شود هم اشکالی ندارد چون این جریان در خدمت آن ایده بزرگ‌تر و این است که داریم در دوران کرونا برنامه می‌سازیم. دوران کرونا باید در برنامه‌های تلویزیونی حس شود. گاهی این مساله تنها در حد ماسکی که مجری می‌زند یا آمار و اطلاعاتی که می‌دهد، دیده می‌شود و البته اشکالی هم ندارد اما اگر در دوران کرونا برنامه‌ای را طراحی می‌کنید که بسازید، باید در دل آن برنامه شرایط این دوران دیده شود، یعنی مردم احساس کنند برنامه‌ای که می‌بینند عوامل آن برنامه هم درگیر این ماجرا هستند و با محدودیت‌ها کارشان را انجام می‌دهند.

تیتراژ پایانی برنامه هم جزو موارد جالبی است که در آن مثل دانستنی‌ها اطلاعاتی را به مخاطب می‌دهید، ایده این ماجرا از کجا آمد؟

این تیتراژ در ادامه مسیری است که در همه این سال‌ها داشتیم. بخش پایانی همیشه برای ما مهم است، از این جهت که فکر می‌کنیم یک برنامه از ثانیه اول تا ثانیه پایان آن ادامه دارد. خیلی وقت‌ها زمانی که کاری به تیتراژ می‌رسد، انگار کار برنامه‌ساز تمام شده و دیگر کسی هم نگاهش نمی‌کند اما تا آخرین لحظه یک برنامه، شما نسبت به مخاطبی که پای آن نشسته وظیفه دارید. همیشه در این سال‌ها تا لحظه آخر و تیتراژ سعی می‌کنیم اطلاعاتی را برای مخاطب داشته باشیم. چه موسیقی‌ای که پخش می‌شود و چه اطلاعاتی که او می‌خواند برایش مفید باشد و لذت ببرد.

از شروع تا حرف مردم ...

ضابطیان هم دیگر کم‌کم به استودیویی که کنار اتاق پخش بود و با دیوار چوبی که پنجره شیشه‌ای داشت از هم جدا شده بودند، رفت. او داشت متن شروع صحبت‌هایش و بخش های دیگر را تکمیل می‌کرد. موضوع آن شب سوزن‌ها بودند و به همین مناسبت در بخش مهمان برنامه هم از آقای دکتری که طب سوزنی خوانده بود، دعوت شد. نزدیک چهار دقیقه به شروع برنامه مانده بود و با وجود همه آشفتگی‌ها و دلشوره‌های برنامه زنده همه با آرامش جالب توجهی مشغول کار بودند و می‌گفتند و می‌خندیدند. حتی باید گفت بخشی از حال آرام رادیو هفت به دلیل همین حال خوب عوامل آن است.

کمتر از چند دقیقه دیگر برنامه شروع می‌شد و همه درست مثل لحظه تحویل سال منتظر ساعت ۱۱ و آغاز بودند. درست رأس ساعت تیتراژ برنامه روی آنتن رفت و بعد هم ضابطیان پس از سلام و احوال‌پرسی سراغ نامه‌هایی که به دست‌شان رسیده بود، رفت. شاید باورتان نشود اما اینجا هنوز کلی از مردم با عشق نامه می‌نویسند و گاهی به همراه یادگاری آن را به این برنامه می‌فرستند.

در کنار نامه‌ها تلفن برنامه هم که مدام اعلام و زیرنویس می‌شود، با شروع قصه پشت هم زنگ می‌خورد، این هم اتفاق جالب دیگر رادیو هفت است که نگذاشته تا دنیای مجازی روی کل ارتباطات‌شان سایه بیندازد. آقای دستیار تهیه اینجا هم حضور دارد و بخشی از تلفن‌ها را او جواب می‌دهد.

به گفته رحیمی، تشکر و قدردانی خیلی زیاد و ابراز خوشحالی با عنوان این‌که در این شرایط ما واقعا به رادیو هفت نیاز داشتیم، بخش ثابت صحبت‌های مردم بود. همچنین سوال‌هایی مثل این‌که چطور می‌توانیم متن‌هایمان را برای برنامه بفرستیم و تقاضا برای بازگشت آیتم خوانش متن‌های منتخب مردمی هم مثل سابق از دیگر موارد مطرح شده در این تماس‌ها بود. رحیمی همچنین گفت که ما خیلی تماس داریم بابت این‌که چرا برنامه تکرار ندارد؟!

در آخر هم مثل همیشه بعد از پخش آیتم‌های مختلف برنامه که آن شب تمرکزش روی جوالدوز و انواع سوزن‌ها بود، این قسمت از رادیو هفت هم به آخر رسید.